



۲۰۲۰/۱۱/۲۹



مترجم: دوکتور محمد اکبر یوسفی

## «از جمله ۳۷۰۰، سه برگشت» «دروس ماجراهای امپراتوری انگلیس در افغانستان»

عساکر امپراتوری در دوران درخشان امپراتوری جهانی برتانوی، در همه میدان های محاربه، پیروز شدند. آنها تمام هندوستان را تسخیر نمودند، در افریقا "درویش ها و مهدی" را قتل عام کردند، بر چین خواست لندن را جبراً تحمیل کردند، هم چنان با "بور های" لجوج و سرخت در "کپ" (Kap) گلاویز شدند، ولو اینکه با زحمت مواجه بودند، باز هم سرکوب کردند.

تنها در کشور کوهستانی آسیا، که اقوام یاغی ها، مسکن اختیار نموده اند، در برابر آنها مقاومت کردند. جنگی های قومی افغانی، اردوی امپراتوری را با اهانتبارترین شکست، روبرو ساختند و خود آنها را هیچگاه مطیع نساخته اند. حاضر در آنوقت مسئله کمتر بر سر خود افغانستان بوده است. زیرا چیزی برای آوردن وجود نداشت که فاتحان امپراتوری، ازین کوه های خسیس و لئیم، می آوردند، بیشتر به مثابه یک سپر و حائل بین قدرت های بزرگ وقت: بین امپراتوری تزار، که در نیمه قرن گذشته در آسیا در سمت جنوب وسعت بخشید و امپراتوری، که مستعمره جواهر تاج (Kronjuwel)، هندوستان از جانب خرس روسی تحت تهدید دیده می شد.

حاضر در ۱۸۳۹م مسکوی ها، تلاش داشته اند، تا افغانستان را در تحت نفوذ خود درآورند. امیر آنوقت، طوری معلوم می شد که اکراه نداشته باشد. برتانوی ها فوراً عکس العمل نشان دادند. آنها یک لشکر را از طریق دره خیبر به کابل اعزام داشتند، امیر را فرار دادند، یک پادشاه دلخواه خود آنان را نامزد کردند.

لیکن اقوام علیه بی دین های مداخلگر قیام کردند، نماینده سیاسی انگلیس را، قیام کنندگان، در فاصله دید قرارگاه کارنیزون برتانوی کشتند و در نیمه زمستان افغانی، تمام لشکر اشغالگر برتانوی را نیز تارومار کردند. در نیمه راه بسمت هندوستان، در ساحه "گندمک"، افغان ها متباقی قوای جنگی را سلاخی کردند. فقط سه برتانوی مجروح، در جمله یک داکتر بر اسب های بارکش نا توان، به گارنیزون بعدی برتانوی در جلال آباد رسیدند، ۳ عسکر برتانوی از جمله ۷۰۰ نفر عسکر برتانوی و ۳۰۰ نفر هم از واحد های کمکی هندی. جمعاً، به تعداد ۱۳۰۰۰ برتانوی و هندی در کوه های افغانستان کشته پشت سر ماندند.

بعد از آن برتانوی ها دره خیبر را مستحکم ساختند تا اقل از هجوم ناگهانی افغان ها بر هندوستان مانع گردند، و برای سران اقوام یاعی جهت آرام نگهداشتن آنها، مزد (معاش) تعیین کرده اند.

نخست چهار دهه بعد، بار دیگر باز به افغانستان لشکر کشیدند. زیرا بار دیگر مسکو تلاش می ورزد، تا امیر افغانستان را تابع خود سازد. در آنزمان، ۱۸۷۶م، هم چنان مصادف به آنچه نیز بوده است، که یک ویسرای جدید در هند موصلت نموده است - امریه صادر کرده است، که هر نوع توسعه بعدی روسیه را در مرز شمال غرب هندوستان تحت خطر را قاطعانه دفع کنند. در آنوقت چنان واقع شد که «ردیاری کیپلینگ» (Rudyard Kipling)، بعد تر به عنوان "بازی بزرگ" در اطراف افغانستان و هندوستان و روسیه هم چنان آنرا هجوم بسوی بحر (آب های) گرم تعریف نمود. ویسرای جدید، "لارڈ لایتن" (Lord Lytton)، یک مکتوب تهدیدی به امیر - افغان ها، شیر علی نوشت، او باید بلافاصله یک نماینده برتانوی را بپذیرد، در غیر آن یک "قدرت با نیت دوستانه" را آزرده خاطر می سازد، که او را حفاظت و یا مانند نی شکستنده خواهد توانست.

امیر برای آزرده خاطر ساختن تصمیم گرفت، عوض انگلیس ها، یک نماینده تزار (Zar) را پذیرفت، به خود اجازه داد تا از روس ها هم چنان در باره اسلحه و مشاورین صحبت کند. بالمقابل هیأت اعزامی "لایتن" مجبور شد تا از دره خیبر برگردد- برتانوی خود دلایل حقوقی جنگ (Causus belli.) داشته است.



Schlacht bei Gandamak 1842: Die ganze Armee vernichtet

(« محاربه گندمک ۱۸۴۲م: تمام اردو نابود گردید»، «شیپگل»، شماره ۳ سال ۱۹۸۰م)

لیکن باز هم تجاوزگران فقط آهسته پیشروی داشته، تلفات سنگین متحمل شده اند، انگلیس مجبور شده است، تا قوت تقویه یی اعزام دارد. در خاتمه امیر مجبور شده است، تا یک هیأت برتانوی را تحمیلی قبول کند - لیکن در زیر ضربات کارد های افراطیون اسلامی در کابل کشته شد. بناءً تاج پادشاهی تصمیم گرفت تا افغانها را به

هر حالت که ممکن باشد، تحت تابعیت خود درآورد، کشور را اشغال کند. لیکن در جمله قتل عام شدگان، که توسط یک آیت الله (Ajarollah) ۹۰ ساله تحریک می شد، بر یک تخت حمل بیمار، قریه به قریه می برده اند و او جهاد مقدس را علیه "فرنگی" (Firangi) (خارجی ها) وعظ می کرده است، یک قوت جنگی دیگر برتانوی، در میوند (Maiwand) شمرده شده اند.

نخست وقتی که لندن (London) جنرال "رابرتس" (Roberts) را، که "ضربه دهنده ما" (Bobs) نامیده است، می فرستد، انگلیس های تحقیر شده، دست بالا یافتند. او یک لشکر ۱۰۰۰۰ نفری (ده هزار) افراد انتخاب شده را که سلاح "خمپاره انداز" ([howitzer], Haubitzen) با خود حمل می کرده اند، در اختیار داشت. عساکر انگلیسی، پای پیاده پنجمصد کیلومتر از کابل اشغال شده توسط اشغالگران، که در تحت محاصره قرار داشته است، به قندهار تحت محاصره پشت سر گذاشته و با نوک نیزه محاصره کنندگان را رانده اند.

از "بابس" (Bobs) بعد مارشال میدان "فیلد مارشال ایرل رابرتس" (Feldmarschal Earl Roberts) "قندهار" – لیکن او از افغانستان بطور کافی به بینی رسیده است. او نوشت: "شاید برای ما متملقانه و یا چاپلوسی نباشد، اما من معتقدم که افغانها از ما کمتر نفرت خواهند داشت، به هر اندازه که کمتر از جانب ما ببینند".

و رقیب "رابرتس" در "بازی بزرگ"، روس ها، در مورد پیروزی کوتاه مدت – برتانوی ها به خاطر سپرده بوده اند: "با نظر داشت وضعیت نا مساعد نظامی، انگلیس ها مجبور شده اند، که تمام قوت آنها را بکار ببرند، تا نهایتاً فقط یک پیروزی خیلی نسبی بر افغانستان ضعیف داشته باشند." ختم ترجمه. ("شپیگل"، شماره ۳، سال ۱۹۸۰م)



برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمائید.